

نگاه شهروند

زاینده رود شناسنامه اصفهان

■ آیا اصفهان بدون وجود زنده‌رود نمی می‌توانست در تمامی تاریخ پرفرازونشیب ایران مرکز حکومت، صنعت و کشاورزی باشد و یکی از آبادترین و پرجمعیت‌ترین بخش‌های ایران را تشکیل دهد و گذارد؟
ایا شهر بدون وجود این رود می‌توانست متوکل خلیفه عباسی را و سوسه کند تا مرکز خلافت را به اصفهان منتقل کند؟ علاوه بر خود رود، اشعیاب‌های رودخانه در شهر اصفهان که نهرهای (مادی) گوناگون را ساخته فضای ویژه‌ای را ایجاد می‌کند که از خصوصیات منحصر به‌فرد اصفهان است. گرچه این نهرها در آبرسانی و آبیاری و زیبای شهر نقش ویژه‌ای داشته و دارند و همان‌طور که گفته شد سابقه آنها به گذشته‌های بسیار دوری بازمی‌گردد، اما غم‌انگیز آن است که در این سال‌ها، حتی مادی‌های اصلی شهر، آبی به خود ندیده‌اند یا تنها برای مدت کوتاهی آب در آنها جریان داشته است و اصفهان هیچ‌گاه بدون زاینده‌رود نام نصف جهان را بر خود نخواهد داشت و ایرانیان هرگز خاطره جشن‌هایی که در کنار این رود دست‌کم از هزار سال پیش بر گزار می‌شده است را فراموش نخواهند کرد.

پس می‌بینیم پیشینه‌نگاران، این شهر را به شناسنامه رود و سرود غزل‌خوان این آبگه شناخته‌اند و سستایش کرده‌اند؛ بی‌گمان این یک قاعده بی‌استثناست که همه تمدن‌ها در کنار رودها و آب‌ها بنا شده و به لوج، توانایی، برتری و شکوه رسیده‌اند. شهر جی توسط چیرهدستان هنرمند به اصفهان تبدیل شد و گذشتگان آن را به نیمه جهان نام‌آور ساختند آیا این پسندیده است که هر کس زاینده‌رود را به زیست‌بوم خود منتقل کند؟

نگاه تاریخی

چرا «زاینده» رود؟

■ اطلای نام زاینده‌رود به این رودخانه به این خاطر است که به علت سختی زمین در بستر و حوالی بستر رودخانه (از جنس شست، آب‌های آبیاری‌شده دوباره بعد از نفوذ در زیر خاک اراضی، کم و بیش به زاینده‌رود باز می‌گردد، به عبارتی می‌توان گفت که بستر زاینده‌رود، زهکشی اراضی و مناطق اطراف آن است.

از این رو در هیچ موقع سال هرچند که تمایز آب رودخانه را به آبیاری اراضی بالادست اختصاص دهند، در پایین دست آن خشکی کامل در بستر رود ایجاد نمی‌شود. «صوفاًالارض» ابن‌حوقل (۱۳۴۵) کهن‌ترین منبعی است که در آن از این رودخانه با نام «زاینده‌رود» یاد شده است. او می‌نویسد: «... به فاصله یک تیر پرتاب، از آن رودخانه زاینده‌رود جاری است». اما از گذشته‌های دور تاکنون زاینده‌رود به نام‌های مختلفی نامیده شده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به زند‌کرورد، زسنرود، زرن‌رود، زرین‌رود، زنده‌رود، زاینده‌رود و رودخانه اصفهان اشاره داشت. ابن حوقل علاوه بر «زاینده‌رود»، «زرن‌رود» را هم برای این رودخانه به کار برده است.

او می‌گوید: «که رود اصفهان است و در همه این شهر جریان دارد». «در نزدیکی آن بر ساحل زرن‌رود، آسیابهایی است. این رود آبی گوارا دارد و خاک‌هایی که بدان مشرف است، زیبایی خاصی بدان بخشیده است.»مقدسی که در سده چهارم می‌زیسته است در «حسن التعلیقین فی معرفت الاقالیم» (۱۳۶۱)، از زاینده‌رود چنین یاد کرده است: «زنده‌رود از کوه‌های اصفهان سرازیر و به پهنودیه بر دآید و خوره را اسیراب کند».

در کتاب «حدودالعالم من المشرق الی مغرب» (۱۳۶۲)، از نویسنده ای گمنام که مربوط به قرن چهارم است چنین آمده است: «سیاهان شهری عظیم است و آن دو شهرست یکی را چهودان خوانند و یکی را شهرستان و در هر دو منبر نهاده‌اند و میان ایشان نه (نیم) فرسنگست و شهری خرم است و بسیار نعمت ... اندر جبال او را رودبست است و آنرا زرن‌رود خوانند کی اندر کشت و برز او به کار است.» ابن خردادبه در کتاب نامور خود «المسالک الممالک» (۱۳۷۰)، از زاینده رود به «زرن‌رود» اشاره داشته است و آن‌جا که از سرچشمه رودها صحبت می‌کند از این رود چنین نام می‌برد: «سرچشمه زرین‌رود، دره اصفهان است». ابن رُسته جغرافیدان اوایل سده چهارم از زاینده‌رود به عنوان «زرن‌رود» یاد می‌کند: «سرچشمه زرین‌رود اصفهان از کوه‌های اصفهان است که در جانب ناحیت اهواز است.

این رود تمام جلگه اطراف شهر اصفهان را سیراب می‌کند». زنده‌رود از نام‌های متداول رودخانه زاینده‌رود بوده است، از جمله یاقوت حموی می‌نویسد: «مدینه اصفهان یا جی که شهرستان معروف است و آن بر کنار زاینده‌رود است...» که هنوز هم در متون به‌ویژه ادبیات کنونی کاربرد دارد. رودخانه زاینده‌رود به مناسبت اینکه از شهر بزرگ و تاریخی اصفهان می‌گذرد، به نام «رودخانه اصفهان» هم مشهور است و در امروز بسیاری از مردم، این رودخانه را به نام رودخانه اصفهان می‌نامند؛ چنانکه برخی از رودخانه‌ها به نام شهر یا منطقه معتبری که از آنجا می‌گذرد، نام‌گذاری شده‌اند. مانند هررود که از شهر هرات می‌گذرد و نام خود را از این شهر گرفته است، یا رودخانه کابل که از شهر کابل عبور می‌کند.

سوگنامه‌ای

برای زاینده‌رود

رودی که زنده نیست

رود

محمدعلی دادخواه: یونسکو در ماده «۲» از کنوانسیون ۱۹۷۲، میراث طبیعی را شامل مواهبی دانست که در آغاز زندگی و همراهی انسان با تمدن تاثیر داشته است. دادوستد آدمی و زیست‌بومش در طول سده‌های پیشین پایه‌های این حق را پی‌ریزی کرده است که انباشت آن در بی عصرها میراث نسل‌ها را فراهم آورد. بی‌تردید میراث طبیعی مکمل میراث فرهنگی است به گونه‌ای که تصور جدا شدن آنها از یکدیگر ناممکن است. یونسکو بر این باور است که پاسداشت میراث طبیعی مسوولیت گسترده همه افراد بشر است؛ مسوولیت مشترکی که تک‌تک اعضای این سیاره باید در قبال آن پاسخگو باشند. از آن رو که حقوق بشر سخش با دولت‌هاست، تردید به خود راه ندهیم که مسوولیت دولت‌ها در قبال میراث طبیعی از همه سنگین‌تر است. در نخستین اصل اعلامیه استکلم می‌خوانیم «انسان را حتی بنیادی و اساسی است نسبت به آزادی و مساوات و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی باوقر و سعادت‌مندانه را می‌دهد و مسوولیت حفظ و بهبود محیط‌زیست حاضر و نسل‌های آینده را بر عهده دارد.»

بسیار غم‌انگیز است که از گذشته پرشکوه این رونده زندگی‌بخش، زاینده‌رود آگاه باشید و اکنون ناظر ناگزیر بحران خرسوز خودساخته‌ای که خسارت بی‌حیومرز پای آورده است، اما به دیده فرانگارن گره گشودن گره کارها شایسته آن است که به جای حاشیه به متن رویم و به روشنی به بررسی آنچه بر چپوخم آن گذشته است، بپردازیم. دآوری ترازمند، ما را بر آن می‌دارد که از دیرهای دور، زندگی این رود غزل‌خوان را پی‌گیریم و آنگاه چشم به امروز بدوزیم. در این میان دور از انصاف و نادگری است که بر پایه‌های آنچه حق بیان می‌دارد و حقوق بر آن استوار می‌شود، تکیه نکنیم؛ اما پیش از پرداختن به زرفای سخن، نگرشی تند به این رهتود ابادگر آبادی‌های دشت‌های تفتیده روستا.

اگر زاینده‌رود را از اصفهان برگزیند کدام بخش و چه نقشی سرسبزی و طراوت و گل صبرگ غنچه لعل‌گون را به شما پیشکش می‌کند. بیابیم برگ‌های گذشته این رود را شمارش کنیم و به درستی پاسخ دهیم که آیا زاینده‌رود بر اصفهان برآمده یا اصفهان در کنار این رود زاینده شده است؟

بنابر روایات اسطورهای اصفهان به دست جمشید، گودرز پسر کشودا یا تهمورث در ماه آذر که گویای گرمی و لطف و مهر و دوستی است، ساخته شد. بر پایه همین باور نماد این شهر نمودی از صور فلکی است که نشان ماه آذر است. اگر با کاروان گزاشگران تاریخ و جغرافی‌دانان همراه‌شویم، می‌بینیم اصفهان فارسی کنونی متراشف با پاینده و جاوید است. به نظر می‌رسد‌واژه گیـه به صورت گی در قیل از اسلام و گایه و گابنی در نوشته‌های یونانی-رومی و جی در دوران اسلامی، در حقیقت نام اصلی زاینده‌رود بوده است. شایان دقت است که گیاه و گیتی نماد رشد و نمو و نمودار زندگی و حرکت با واژه گیـه هـر پـرشـاند. هـمچـنین مادر زندگی زی را جی نام دارد. پس می‌توان مرگ زاینده‌رود را مرگ اصفهان دانست و به همین اثبات این رود زندگی‌بخش در فلات مرکزی ایران پی‌برد. پس با این گذشته فرخنده و در حالی که تمام تلاش گشتگان حداقل از زمان دیلمه و سلاجقه افزایش آب این رود بپرکت و رونق شهر بود، هر کس در پی بستن آن زاینده‌رود باشد، گام در نابودی شهر نهاده و آگاه و ناگاه یک تمدن بزرگ و یک فرهنگ غنی و یک تاریخ پرفراختر را نشاله رفته است. کدام باور خردمندی چنین ویرانی‌ای را پذیراست؟

بگذارید اندکی از بسپار و دانه‌ای از خوشه‌زار را که بر سر مردمان این سرزمین باریده باژگو کنم: برکنار لنجان رنج نشاء بی‌پایم‌د بر تن و جان‌شان مانده است و قلم پونه‌نگاران سفره‌های قلمکار در قلمدان جا خوش کرده است و دیگر رای برخواستن و طرح آفریدن را ندارد و پرنندگان عاشق وش‌ی که هرساله از سرمای استخوان‌سوز سبیری به رویای گرمای تالاب

محیط‌زیست



گلوخونی به اصفهان می‌آمدند دیگر بر پروازی ندارند و عاشقانه گفته‌های را از آمیز خود را بر آسمان آبی اصفهان باز نمی‌گویند. گویا دیگر روح و روان این رود و غوغا و شور آن مرده است. آوای رود خفته و هیچ‌کس مسوول بی‌رگی آن نیست. اکنون از نگرش در پیچه چشم حقوق‌یابان آنچه بر رود رفته است را به دآوری نشینیم. روشن است دادوران در جایگاه دادرسی باید به حق و پیشینه آن توجه روا دارند و منابع آن را در سامان زمین بسنجند و در ترازمندی عقل و نقل و شرع و عرف به بررسی بپردازند؛ ما نیز به اینها بسنده می‌کنیم و نیم‌نگاهی به پایدها و بنایدهای قواعد بین‌الملل و عرف جهانی خواهیم داشت.

از آنجا که پایه‌ریزی هر طرح و برنامه نیاز به سازوکار پیشین است، باید بیان شود این گونه‌فالیته‌ها هرچند در اجرا اقتصادی نیست، بعد از اجرا نیز تنها می‌تواند برای مدتی کوتاه و با هزینه نگهداری هنگفت، مشکل را برطرف کند و با گذشت اندک‌زمانی

باید در جست‌وجوی زاینده‌رودی دیگر بخت تا شاخه‌ای از آن را به کویر کشید نگرش تند بر روزگار پرشکوه زاینده‌رود و دلمشغولی‌های دامنگیر امروز دلسوزان آن آب، ما را بر آن داشته تا آب از دیده نشانیم اما آب رفته به رود بازگردانیم تا شاید در این گریودار در فرزانگی گشوده شود. اندیشه‌ورزان دل‌آگاه و دانادل هرگز به ناگهان سند و قباله و استدلال را زیر پا نگدماں نمی‌کنند چراکه نگرش منصفانه و عادلانه بر این ستون استوار است که گذشته و حال و آینده را بر گشمار می‌کنیم و خودمحوری را در این جایگاه نپذیریم که در سده‌های از دست‌شده بیشترین اسبب و خسارت، از خودمحوری بر ما فرود آمده است.

بر آن شایم که منابع و مواخذ حقوق را ملاک و ضابطه قرار دهیم. حقوق‌یابان در آمودش رودها و تصرف و انتفاع، نخست به عرف نگاه می‌افتند. عرف در لغت به معنی معرفت و شناخت است و آن هنگامی است که چیزی در ذهن شناخته‌شده و مأثوس و مقبول خردمندان شده باشد، البته این روش مستمر است عرف به گونه‌های مختلف بخش شده است. ما عرف عملی قاعده‌ای است که در زمانی

نسبتا دراز بدان عمل شده باشد. قاعده عرفی به صورت یک قاعده موجد حق و تکلیف در نظام حقوقی ما درآمده و الزام به تبعیت از آن در دادرسی عادلانه و منصفانه‌ای به‌عنوان یک قاعده ثبوتی و نه اثباتی مورد پذیرش و تأکید حقوق‌دانان و حقوق‌یابان و داوران و دادگران است. اگر درزانی چند هزار سال پیش تاکنون را نمونه بارز یک عرف عملی ندانیم که گذر زاینده‌رود

ایجاد حق کرده است، کدام گنر، کدام زمان و کدام زمین فزون‌تر از اینها پیشینه و دیرینه دارد که آن را عرف پنداریم؟ پس یک عرف مسلم حقایق ادامه عبور رود را تأکید و تأیید می‌دارد. گذشته از این با عنایت به اینکه اصل چهارم قانون اساسی ما بر شرع پای نهاده است، جای دارد به این اندیشه دل سپریم که جایگاه عرف در نظام شرعی کدام است؟ و در شرع می‌خوانیم «التعین بالعرف کالتعین بالنی» و می‌دانیم قاعده دیگری نیز ما را هشدار داده که «جنهاد بر مقابل نص باطل است» مواد «۲۲۴» و «۲۲۵» قانون مدنی ما نیز بر عرف پای فشرده است؛ پس می‌بینیم عرف را شرع و قانون داخلی معتبر و محترم دانسته است؛ البته در ارزیابی حقوق‌دانان دو گونه عرف به

عنوان ملاک مورد توجه قرار می‌گیرد: نخست عرف بین‌المللی که مرجع بر عرف محلی است و در کنکاش و تکاپوی دادوران به عرف جهانی توجه فراوان روا می‌دارند. گفتنی است ماده «۹» قانون مدنی ما نیز بر این مهم ره سیرده است که پیمان‌های بین‌المللی را چون قوانین داخلی معتبر و لازم‌الاجرا می‌دانند

ضمن آنکه فراتر از این دو، کنوانسیون معاهدات مورخ می ۱۹۶۹

ره‌نمودار زشمند

بیایید آب را به سامان پیشین و هنجار را بر شیوه قبل برپا داریم و تمدن را واژگون نکنیم و خود را مورد نفرین آیندگان قرار ندهیم. اینک این وظیفه حقوق‌باان است که به خردورزی حق طبیعت، حق زمین، حق زمان، حق میراث فرهنگی و طبیعی و باز گیرند. این رسالت دادرسان است که در جایگاه دادرسی تصمیم بر آن سازند که آب رفته به جوی بازگردانند و این مسوولیت مسلم دادگستری است که این داد باز ستانند. بهترین شیوه برای پایان دادن به وضعیت زاینابر کنونی آن است که آشفنگی امروز از میان بردارند و سامانه هزاران ساله آن را پاس دارند. به قول کنفسیوس پافشاری بر اشتباه، خود اشتباهی بزرگ‌تر است. آبربار زاینده‌رود روشن است و قلمرو آبگیر آن از دیدگاه تاریخ و جغرافی ترسیم شده است. نادیده انگاشتن این واقعیت‌ها یعنی در هم شکستن توسعه پایدار شهر اصفهان. به یاد داشته باشیم بهره‌برداری یکنواخت، اصل یک پذیرفته‌شده است که در حقوق محیط‌زیست بدان دست می‌یازند و شورای حکام برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد (UNEP) در ۱۹ می ۱۹۷۸ در نایروبی بر آن انگشت نهاده. به پیامدهای اسفبار این تغییر بی‌بنیاد بیندیشید و از ادامه آن تن زنید. گام نخست آن است که آب بی‌درنگ به گذرگاه‌های عرفی خود بازگردد.

آرشیو

خشک شدن آب زاینده‌رود موجب شد

شکایت صد شخصیت فرهنگی اصفهان از مدیر کل آب منطقه‌ای

■ شرق ۹۰/۴/۳۱: شکایت صد استاد دانشگاه و شخصیت فرهنگی اصفهان از مدیر کل آب منطقه این استان، هفدهم مرداد در شعبه یکم دادپاری تحقیق داسرای عمومی اصفهان رسیدگی می‌شود. در بخشی از متن شکایت این شخصیت‌های برجسته اصفهان که به دلیل خشک شدن آب زاینده‌رود و تصمیم مدیران اجرایی در تغییر مسیر این رود تاریخی خطاب به دادستان اصفهان نگاشته شده، آمده است: به عنوان دیدمان حقوق شهر دریافت‌اید که دیرگاهی است آب زاینده‌رود قطع شده و این موضوع خسارات جبران‌ناپذیری به بار آورده و نظر به اینکه مسیر شریان زاینده‌رود مشخص است، تغییر این مسیر خلاف قانون است. در ادامه این شکواییه آمده است: جدا از غیرقانونی بودن قطع، رفع و جلوگیری از آب و بهره‌جویی از آن، ابنیه تاریخی و پل‌های روی این رود بر اثر تغییر مسیر رود و قطع جریان آب، آسیب غیرقابل جبران می‌بینند، از این رو در ابتدا دستور بازگشت مسیر آب زاینده‌رود به وضعیت سابق و در مرحله بعد پیگرد مسوولان آب استان اصفهان را در دستور کار قرار دهید. به گفته این افراد، درنگ در تصمیم در رابطه با موضوع زاینده‌رود و پامال‌سازی حق بشری استفاده از آن، چنان فاجعه‌آمیز است که قلم از بیان آن عاجز می‌ماند. وکیل پرورنده با اعلام این خبر به شرق گفت: با ارسال این شکایت، دادستان اصفهان، پرونده را به داسرای عمومی اصفهان ارسال کرد و هفدهم مرداد سال‌جاری موضوع در شعبه یکم دادپاری تحقیق داسرای عمومی اصفهان با حضور مدیرکل آب منطقه‌ای اصفهان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه

سرچشمه زاینده‌رود

■ بره‌های دریای مدیترانه بر فرزاز کورهنرگ و زردکوه باعث ریزش باران و برف می‌شود. برف‌ها در زمستان انباشته می‌شوند و در بهار و تابستان آرام‌آرام آب می‌شوند. به گونه‌ای که زاینده‌رود به‌طور طبیعی از پای زردکوه بختیاری و هفت‌تان و شعب آنها در منطقه شوراب تنگ‌گری از توابع استان چهارمحال و بختیاری سرچشمه می‌گیرد و پس از جذب آب‌های جاری بخش‌هایی از مناطق فریدن و فریدونشهر از استان اصفهان، بهسمت شهر اصفهان و در نهایت مراب گلوخونی، در طول مسیری حدود ۲۶۰ کیلومتر از جنوب غربی به سمت مشرق جریان می‌یابد.

پل‌های تاریخی روی زاینده‌رود

■ روی زاینده‌رود چندین پل تاریخی از زمان صفویان و قیل از آن برجا مانده است. در استان چهارمحال و بختیاری چندین پل روی این پل ساخته شده که مشهورترین آن «پل زماخان» و در اصفهان «سی‌وسه پل» یا «پل اله‌نوردی‌خان» و «پل خواجه» است. لازم به ذکر است یکی از قدیمی‌ترین پل‌های زاینده رود «پل شهرستان» است. این پل‌ها هر کدام جذبه گردشگری خاصی دارند. حاشیه‌سازی این رودخانه در شهر سامان، شهر اصفهان، بوستان‌ها و بیشه‌های پیرامون این رودخانه در فصل تابستان گردشگاه مناسبی برای ایرانی‌گردان و جهانگردان است. درحال حاضر برای آبیاری زمین‌های کشاورزی استان اصفهان از سدهای آبیاری که به این منظور احداث شده استفاده می‌شود. این رودخانه آب آتشیمنی شهر یزد نیز تأمین می‌کند که در آینده با اتمام تونل سوم پیش‌بینی می‌شود، استان کرمان را نیز سیراب می‌کند. با وجود این کشاورزان حاشیه زاینده‌رود در استان چهارمحال و بختیاری گاه با کمبود آب مواجه بوده‌اند و این مصداق «آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم» است.

پیشینه تقسیم آب زاینده‌رود

■ زمین‌شنایان روشن کرده‌اند در زمانی که قسمت بزرگی از اروپا پوشیده از توده‌های یخ بود، سرزمین ایران دوره باران را سپری می‌کرد. اما عمر این دوره دیری نپایید و جای خود را به عهد خشک داد که تاکنون ادامه دارد. چاه‌ها، قنات‌ها و آب‌انبارها که قدیمی‌ترین آثار بره‌مان مانده از آنها با پیدایش نخستین تمدن‌های ایرانی همزمان است، به‌خوبی بیلگن این نکته است که ایرانیان از دیرباز به مبارزه با عهد بی‌آبی و خشکی رفته بودند. بر همین اساس، تقسیم منابع آب، ه‌شورین در ایران به شیوه‌ای عادلانه و خردمندانه، همواره به مثابه یکی از فنون مورد نیاز مطرح بوده است؛ چرا که کمبود منابع آبی، لزوم استفاده بهینه و افزایش بهره‌وری از منابع موجود را می‌طلبد. پیشینه تقسیم و بهره‌برداری از آب زاینده‌رود به عمر و سابقه حضور انسان در جلگه اصفهان بر می‌گردد. به عبارتی دیگر از زمانی که جمعیت اسکان‌یافته در این حوضه رو به فزونی نهاد، مردم برای عهد قنابه تعیین کردند و با شاخه‌شاخه‌کردن آن به نهرهای کوچک و بزرگ، سهم یکدیگر را به‌طور دقیق مشخص کردند. از روی اسناد و مدارک تاریخی به‌خوبی می‌توان این موضوع را اثبات کرد. ابن رسته در «عراق النقیسه» (۱۲۴۵)، اولین تقسیم آب زاینده‌رود را به اردشیر بابکان نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «... بنا بر تقسیمی که سری اردشیرشیر بابک کرده بود، تقسیم می‌کنند و برای هر قریه‌ای از این روستا سهمی مشخص و معلوم با زمان معدودی قرار داده بود که بر حسب اندازه‌های معین آب را به هر قریه‌ای جاری می‌ساخت، آنچنان که هرکس به حق سهم خود را بر می‌گرفت».

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم

معین‌جام جم